

به بهانه اجرای برنامه «شعر، رقص و ترانه... در سرزمین چنگ و چغانه»

گفتگو با خانم جمیله خرازی مؤسس و

مدیر بنیاد فرهنگی - هنری «توس»

عصر یکشنبه ۲۴ اکتبر تازه‌ترین برنامه از مجموعه برنامه‌های بنیاد فرهنگی - هنری «توس» زیر عنوان «شعر و رقص و ترانه... در سرزمین چنگ و چغانه» در «لوگان هال» لندن به اجرا درآمد. بنیاد توس طی چند سال گذشته ویژه برنامه‌های جالبی در زمینه‌های مختلف فرهنگی و ادبی و هنری به اجرا گذاشته که همگی با استقبال وسیع علاقمندان و دوستداران هنر و ادب روبرو شده است. برنامه «شعر و رقص و ترانه...» نیز با استقبال عمومی مواجه شد و با آنکه بنیاد توس به خلاف برنامه‌های رایگان پیشین، این بار بهایی تعیین کرده و بلیت فروخته بود، با این حال سالن بزرگ لوگان هال کاملاً پر بود و بسیاری از علاقمندان نیز موفق به خرید بلیت نشده بودند.

برنامه «شعر و رقص و ترانه...» یک مجموعه ترکیبی از شناسائی اجمالی فرهنگ موسیقی و رقص و نمایش تصویری از لباس‌های مناطق مختلف بومی ایران همراه با رقص‌های فولکلور مناطق مختلف ایران بود که با همکاری رقصندگان و باله نگاران به نام و سرشناس، از جمله فرزانه کابلی و ادوارد جلالیان تهیه و تنظیم شده بود و تحلیل و نقد این برنامه نیز به عهده منتقدین آگاه و دانش آموخته در این رشته است که قطعاً در این زمینه دیدگاه‌های خود را منتشر خواهند کرد.

به مناسبت اجرای این برنامه جالب و استثنایی گفتگویی انجام داده‌ایم با خانم جمیله خرازی مؤسس و مدیر «بنیاد توس» که سال‌هاست با هدف ارتقاء و اعتلاء فرهنگ و هنر ایران زمین و به ویژه آشنا ساختن نسل جوان و نوجوان ایرانی با فرهنگ ایران اینگونه برنامه‌های پربار را به اجرا گذاشته است.



خانم جمیله خرازی

را ایجاد می‌کنند و امید ادامه دادن را در ما پیوسته می‌پروراند.

● اینگونه برنامه‌ها، ظاهراً ترکیبی از رقص‌های ایرانی با باله غربی است که شناخت و درک آن را برای مخاطب عادی قدری مشکل می‌سازد. در این زمینه چه توضیچی دارید، اصولاً باید از چه زاویه‌ای به این برنامه‌ها نگاه کرد؟

همانگونه که مسبقاً در برنامه این بار بنیاد توس، سفری در کوچه‌های فرهنگ و هنر بومی ایران بود. بنابراین رقص‌های مناطق مختلف با حفظ صد در صد اصالت جامه‌ها و موسیقی خاص آن منطقه که لزوماً هیچ هم‌آهنگی با آلات موسیقی امروز ایران و یا غرب ندارد و هنوز به گونه بسیار ابتدائی و اولیه خود اجرا می‌شود به صحنه کشانده شد. برای مثال موسیقی که ما در قسمت خوزستان با رقص کولیان آن منطقه به صحنه آوردیم در حقیقت نوائی است که از ارتعاش وصل چند ریسمان نخ‌ی به قوطی خالی آهنی

● خانم خرازی، استقبال از برنامه «بنیاد توس» این بار هم چشمگیر بود و این خود نشانه موفقیت برنامه «شعر و رقص و ترانه...» بود. خودتان این برنامه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از آنجا که صفت بارز و مشخص ایرانی، افتخار به داشتن ملیتی با چنان غنای فرهنگی است، من هم از این قاعده مستثنی نیستم و طبیعتاً هر چه کنم و هر چه بگویم هنوز نا گفته‌ها بیشتر به نظر می‌آید. در سفری که تماشاچیان را برای آشنائی به فرهنگ بومی مناطق مختلف ایران همراهی کردیم و با توجه و تجربه از انتقاد چند هموطن عزیز در برنامه‌های قبلی که از شنیدن و مرور نوشتاری و توضیح تاریخ ایران خسته بودند، سعی کردیم به طور بسیار اجمالی با توجه به مکان جغرافیائی مناطق و استان‌های مختلف ایران آنهایی را که تشنه دانستن و آشنائی با این فرهنگ هستند با مکث‌هایی توضیحی در حدود ۳ دقیقه و اجرای نمونه‌هایی از موسیقی، نمایش البسه و سنت‌های ماندنی و رقص‌های آن ناحیه سیراب کنیم. در این راستا برای معرفی آلات موسیقی این مناطق از کتبی چون دائره‌المعارف سازهای ایرانی در سه جلد و هر کدام بالغ بر بیش از ۵۰۰ صفحه، در قسمت بهره‌گیری از منابع موسیقی اصیل بومی از سی‌دی‌های مدرسه فارابی، هشت بهشت، موسیقی جاذبه گردشگری استانهای مختلف ایران، در زمینه تحقیق تاریخی با توجه به خصایص و تفاوت‌های سنتی ساکنان بومی از منابع و کتبی چون مراسم اقوام ایرانی، ایرانسرا در ۱۰ جلد، معرفی جاذبه‌های تاریخ فرهنگی اصیل

گزارشگران بی اطلاع رسانه‌های ما از مشکلات به روی صحنه آوردن تلفیقی از هنر و تحقیق به صورت صحنه‌ای کاملاً بی‌خبرند و تمام مهارت و استعدادشان را در طرح سؤالات انتقادی و مغرضانه صرف میکنند. ما بنیاد کوچکی با همکاران علاقمند و ساعات محدود و بودجه محدودتر هستیم و سعی بر آن داریم که کار وزارتخانه‌های فرهنگ و هنر را با در اختیار داشتن بودجه‌های کلان، انجام دهیم.

طبیعتاً برنامه‌های ما برای کسانی که علاقمند به فراگیری، اطلاع، تحقیق در تاریخ و هنر ایران نیستند، جالب نیست ولی هر بار ما هنرمندان را که هر کدام با مشکلات سن، ویزا، محدودیت‌های مالی و ترس سالها دور بودن از صحنه روبرو هستند، از نقاط مختلف جهان جمع می‌کنیم و با ساعت‌ها صحبت تلفنی و هماهنگ کردن گروه‌های مختلف، ترجمه، تحقیق، دکور صحنه، لباس، ضبط برنامه، تهیه پرورشور، تمرین‌ها که مستلزم صرف ساعت‌های طولانی و مخارج بسیار زیاد است و همه را به پاس عشق و علاقه به مام وطن در دور از خاک وطن انجام می‌دهیم. آیا قلندرانه تر از این عشق یافت می‌شود؟ از رسانه‌های انگلیسی بیاموزیم که با حضور بیش از ۱۳ رسانه مختلف در برنامه آخرین این بنیاد چگونه بالاخره پیام «ایران صاحب غنای فرهنگی شگفت‌انگیزی است» را به دنیا رساندیم. از حمایت مردمی شاد شویم که از اسکندریا، فرانسه، آلمان، کاردیف، منچستر و پاریس با پرداخت مخارج سفر و هتل این رنج را تحمل می‌کنند که شبی با ما و شاهد یادگارهای پر افتخار ایران باشند.



● طراحی لباس‌های محلی نقاط گوناگون کشوری چون ایران که سرزمینی کثیرالاقوام است احتیاج به مطالعه و کار زیادی دارد. در این مورد چه کارهایی انجام شد و کدام هنرمندان با شما همکاری کردند.

اجازه دهید کلمه طراحی را از دوخت و تهیه لباس‌ها جدا کنیم. تمام لباس‌هایی که در برنامه موسیقی و رقص‌های نواحی بومی ایران مشاهده کردید از روی فیلم‌ها، عکسها و اسلایدهایی بود که به وسیله زحمات آقای رابرت دووارن و در عرض ۱۱ سالی که ایشان در ایران بسر بردند و بزرگترین آرشیو سازمان فولکلور ایران را مدون کردند و بر اثر پی‌گیری و مسافرت‌های پی‌درپی ایشان به نقاط مختلف ایران، جمع‌آوری شده بود، تهیه شده بود. بنابراین طرح‌ها جدید نبودند بلکه قدیمی‌ها بازسازی شده بود ولی در دوخت و تهیه آنها خود استاد با علاقه و آفری که به ایران، موسیقی و رقص‌های ایران داشتند و شخص من با یکدیگر همکاری کردیم.

● و بالاخره می‌رسیم به طراحی رقص‌ها که این هم احتیاج به مطالعه و پژوهش فراوانی دارد. در این مورد هم توضیح بفرمائید.

خانم فرزانه کابلی یکی از رقصندگان خوب و یکی از بهترین شاگردان استاد دووارن بودند و خوشبختانه با همکاری و تعلیم ایشان توانستیم بیشتر رقص‌های مناطق بومی را بر طبق اصول و رسوم منطقه دوباره به صحنه بیاوریم. طرح‌های فانتزی جدیدی هم که اجرا شد و تا کنون در کارنامه سازمان فولکلور ایران منقوش نشده بود با طراحی و همکاری من به روی صحنه آمد.

روغن و یا مشابه آن برمی‌خیزد و به دلیل ابتدائی بودن وسیله بسیار صدای ناهنجاری است، ولی این موسیقی رقص کولیان آن منطقه است که البته با طعنه از گزارشگران نا مطلع به عنوان نمونه‌ای انتقادی شنیدیم که این بنیاد به دلیل عدم آگاهی، رقص اسپانیولی را در جای خوزستان قرار داده و باعث پریشانی ذهن و چشم تماشاچیان شده است.

در قسمت تابلوهای مینیاتور و زورخانه که خانه ورزش‌های باستانی پهلووانان ایران بود از یک فانتزی ذهنی استفاده شد. در قسمت مینیاتور با بهره‌گیری از شاهکارهای اعجاب‌انگیز نقاش معروف و هنرمندی که دنیا را با رنگ‌ها و کلک زیبا سازش زیبا نشان داده است، محمود فرشچیان، با حرکات نرم و خیال‌انگیز باله و در قسمت زورخانه نیز حرکات ورزشی به صورت رقص گونه به اجرا درآمد که در نوع خود کار بسیار جدیدی بود.

● اجرای برنامه رقص‌های محلی ایرانی، مثلاً رقص قاسم‌آبادی و رقص بندری، و اینکه یک گروه رقص چند روزی تمرین کند و این رقص‌ها را اجرا کند، کار چندان مشکلی نیست و بسیاری هم این گونه برنامه‌ها را به اجرا گذاشته‌اند. اما وقتی به طور علمی و تحقیقی (آنگونه که همواره در برنامه‌های بنیاد توس مرسوم بوده) بخواهیم برنامه‌هایی اجرا کنیم و فرهنگ اصیل مناطق مختلف ایران را با اجرای رقص‌ها معرفی کنیم کار بسیار مشکل می‌شود.

در این زمینه لطفاً توضیح دهید و بفرمائید که چه نکاتی در اجرای این برنامه‌ها باید رعایت شود. بعضی از دوستان عزیز و یا

استانها و میراث فرهنگی ایران، در زمینه فیلم و اسلاید از سی‌دی‌های مختلفی چون روستاهای شگفت‌انگیز ایران، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی، راهنمای گردشگری استان‌های مختلف، سرزمین تاریخی ایران و ایران سرای پر گهر، استفاده کردیم. و بالاخره در زمینه عکس و تهیه فیلم و اسلاید از کار هنرمندان و عکاسان معروف ایرانی مثل کتاب ایران افشین بختیار، کتاب ایران نیکول فریدنی و نصرالله کسرائیان بهره گرفتیم و در قسمت نوشتاری از نظرات آقای دکتر محمود خوشنام با سابقه ۵۰ سال قلم‌زنی و تجربه در زمینه شناخت موسیقی سنتی نواحی ایران بهره جستیم.

با این حساب می‌توانید زمانی را که برای تهیه نوشتاری و تحقیق این برنامه قبل از احتساب مشکلات تصویری و صحنه‌ای به کار گرفته شده و ساعات طولانی آن را تخمین بزنید که در حدود ۸ ماه طول کشید ولی با اینهمه بعضاً با بی‌لطفی بعضی از رسانه‌های خودمانی و برون مرزی روبرو شدیم که البته از توضیحات تاریخی کافی و منابع موثق بی‌بهره بوده‌اند و بدون هیچ توضیح دیگری که منتقد صاحب چه معلومات خاصی در این زمینه است و از کدامین تخصص و حرفه‌ای بهره برده است. باید انگشت حیرت به دندان گزید که چگونه می‌توان با حضور نداشتن در برنامه‌های تصویری و صحنه‌ای و بدون داشتن هیچ دانش و تبحر خاصی، این همه کاغذ سپید را آغشته به سیاهی‌های قلبهای مغرض کرد که احتمالاً قصدی انتقاد بی‌جا ندارند تا شاید مطرح شوند.

ارزیابی و تشخیص این مهم را از من انجام دهنده و عاشق فرهنگ و هنر این بوم و خاک بگزید، قضاوت را به عهده مردمی بگذارید که با حضور و پشتیبانی خود دلگرمی ما